



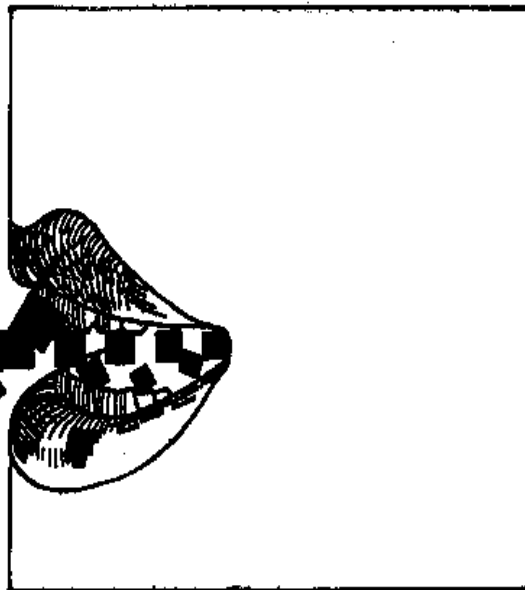
جهان بینی مادی و جهان بینی الهی (مصباح یزدی/سروش/طبری/نگهدار)  
به نقل از : از " سروش " ، شماره 104 ، 20 تیر 1360



# ● بحث آزاد :

جهان بینی مادی و جهان بینی الهی

دیالکتیک و اصول آن



شرکت کنندگان در بحث:

محمد تقی مصباح یزدی، از: حوزه علمیه قم

دکتر عبدالکریم سروش شرکت کننده منفرد

احسان طبری، از حزب توده ایران

فرخ نگهدار، از سازمان فدائیان خلق (اکثریت)

اولین جلسه

الکترومانتیک و غیره که دارای آن مختصات نیستند، که فلسفه مادی دوره قرن هجدهم منتهی بود، همچنین لنین گفت اختصار بکنید به این مسئله که ماده فقط يك واقیعت خارجی است، قابل ادراک برای انسان بدانیم نه پیش از آن، ● مصباح - پس بهرحال فلسفه حقیق دارد درباره ماده تعریف بدهد.

● طبری - در آن شکی نیست، آقای مصباح فرمودند که دیالکتیک هم علم است هم فلسفه هست هم منطقی و این چطور می‌تواند در عین حال همه اینها باشد، دیالکتیک هم يك تئوری است و هم اسلوب، هم توصیف کننده جهان خارجی است و هم يك راهنمایی است برای اینکه ما بتوانیم جهان خارجی اعم از طبیعت و اجتماع و اعم از فکر یا عمل بشناسیم، نه اینکه دیالکتیک باسطلاح طبیعتاً به سمت يك اسلوب فلسفی، تئوری فلسفی کمک می‌کند به علم یعنی وارد می‌شود در اسلوب تفکر علمی و کمک می‌کند به علم نه اینکه خود آن در عین حال يك علم جداگانه‌ای محسوب بشود، بلکه جزو فلسفه است، فلسفه نتیجه‌گیری عمومی از علوم موجود است من این را قبلاً هم عرض کردم يك حرف جالب از انگلس هست، يك نقل قول از انگلس می‌کنم برای اینکه مورد قبول خودم هست، او می‌گوید از آنجایی که جهان وجود پریجابان است و از آنجائیکه افق دید ما به عنوان يك انسان، به عنوان يك نسل محدود است، لذا مسئله وجود امر متنوع است، امری نیست که ما بتوانیم حکم بکنیم که ما وجود را کشف کردیم تا آخر تمام شید و رفت، حالا مثلاً فرض کنید در سطح تکامل فیزیک روزی ما به مرحله‌ای از ترک ماده رسیدیم که این مراحل حتی عیشی بودن ماده را برای ما میسر نمی‌کند، مثلاً با پیدا شدن گوارکها و سوگوارکها که زندگیشان يك میلیونیم ثانیه در برمی‌گیرد در مرز عدم و وجود زندگی می‌کنند قابل رویت نیستند یا

از جناب آقای مصباح طرح شد، همچنین سؤالات از طرف جناب آقای دکتر سروش مطرح شد. بنابراین من سعی می‌کنم این مطالب را بدان پاسخ می‌دهم.

جناب آقای مصباح فرمودند که لنین می‌گوید ماده مقوله فلسفی است. اگر مقوله فلسفی است لذا فلسفه باید بدان پاسخ بدهد، پس چطور ما خواستار این هستیم علم آنرا پاسخ بدهد و مشخصات آنرا معین بکند. در حقیقت قضیه اینطوری است که لنین گفته ماده به مثابه مقوله فلسفی دارای فلان تعریف است، اما به مثابه مقولات گوناگون می‌تواند مطرح بشود. مقوله علمی می‌تواند مطرح باشد که علم باید جهات مختلفه آنرا روشن بکند. و مقوله فلسفی ماده می‌تواند مطرح بشود. لنین هم حدود مقوله فلسفی ماده را آنطوری که در برابر ایده‌الیسم لازم بود بیان می‌کرده است.

● مصباح - خیلی منطرت می‌خواهم اگر ممکن است يك جمله می‌خواهم عرض کنم. این عرض بنده در مقابل فرمایش شما بود که فرمودید که لنین می‌گوید چون ماده باید علم در اطرافش بحث بکند و اثبات بکند حالت فلسفه بلقضولی است.

● طبری - در مختصاتی، در بیان مختصاتی.

● مصباح - بنده برداشتم این است که فلسفه اصلاً حقیق ندارد درباره ماده بحث بکند.

● طبری - درباره مختصات در قرن هجدهم يك عده فلاسفه‌ای پیدا شده بودند که می‌گفتند ماده دارای بنده، وزنه دارای شکل است که يك مقدار مختصات ذکر می‌کردند و این مختصات را هم تقسیم می‌کردند به اشکال مختلفه این مختصات طبیعتاً در اثر تکامل فیزیک معاصر ثابت شد که به این ترتیب نمی‌شود مسئله را ساده کرد. فیزیک معاصر اشکال مختلفه‌ای از ماده کشف کرد، مثل میدان، یا میدان

● مجری - برای شما ۲ دقیقه وقت باقی است. سروش - برای بعد بگذارید.

● مجری - آقای مصباح شما ۱۲ دقیقه کلاً اضافه وقتهایی که در دو دقیقه‌های قبل بوده باقی مانده، اگر سؤالی دارید بفرمائید، اگر صحبتی نیست سؤالاتان را بقیه آقایان جواب بدهند. این را خودتان انتخاب کنید.

● مصباح - آقایان، عرض کنم جواب بدهند که بیشتر به اصل مطلب برسیم، حال من فقط می‌خواهم از وقت استفاده کنم و وقت بگذارم، فکر نمی‌کنم کار حروستی باشد.

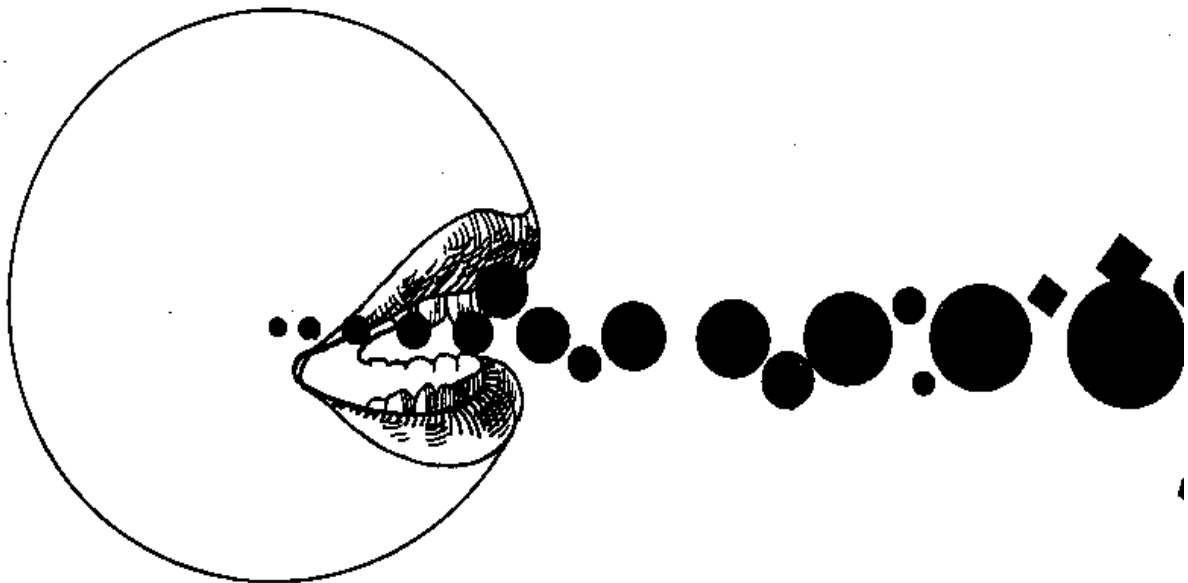
● سروش - می‌خشید ما می‌توانیم وقت را تقسیم کنیم، یعنی اگر در فرصت ایشان نقصانی افتاد اشکالی ندارد عرض این نیست که هرکسی درست به همان مقدار سخن بگوید، مقدار سخن به این، فرض این است که سخن روشن بشود. ● مجری - برای سؤالاتی که مطرح شده آقای

طبری....

● طبری - وقتی در اختیارم هست.

● مجری - خواهش می‌کنم.

● طبری - اولاً نفس طرح سؤال راجع به این مسائل که ما این اسلوب را به‌تیریم بهرحال يك گره‌هایی ممکن است در ذهن ما پدید بشود، در ضمن شنیدن بیانات طرف مقابل و این گره باید گشوده بشود، براساس نظریات واقعی آن طرف مقابل. لذا باید پرسید تا گره گشوده بشود، من تصور می‌کنم ناچار باید اصل سؤال را به‌تیریم. تجربه این بحث ضمناً يك چیز دیگر نشان داد و آن این است که بحث بهر جهت فلسفی است جنبه تجربیدی دارد. به استدلالات و براهین فنی نیازمند است، و این همین دشواری بحث را تا حدود زیادی در چهارچوب بحث تلویزیونی بیشتر نشان می‌دهد. با این وجود که حال درس وارد هستیم تا آنجا که می‌توانیم انقیری که بتوانی بکوش. اینجا سؤالات مختلفی



تعبیر کمی و کیفی اصل تکامل از ماده به پفرنج، آنها را هم به مثابه نکات جداگانه‌ای ذکر کردند. این است که این سؤال از طرف آقای مصباح طرح شد، کار اصول را در این حدود سه گانه باید دانست، یا آن را باپستی بیش از آنها دانست برای اینکه بخاطر اینکه اگر بخواهد پاسخی داده بشود، معلوم بشود حدورسم قضیه تا چه حدودی است حدود و تقور در کجاست باید به آن جواب داده بشود. این مجموعه سئوالی است که آقای مصباح مطرح فرمودند، اما سئوالات بسیار جالبی آقای دکتر سروش فرمودند اگر اجازه بدهید بگذاریم برای جلسه بعد و ما پاسخگو باشیم و دوستان پرسنده باشند، و اگر موقعی لازم باشد ما پرسنده باشیم، دوستان پاسخگو باشند، ولی ما چنین تمایلی نداریم که پرسنده باشیم و مراجعه کنیم به دوستان.

● مصباح - بنده دوست نداشتم فراهر عرض بفرمائید که به دوستان مراجعه کنیم، من توضیح دادم که مقصود ما از سؤال فقط برای این بود که تفاهم باشد، یکی دیگر سؤال کردم که این سه اصل است یا نه؟ يك اضافه‌ای هم داشت که آیا اینها کلیت دارند یا نه؟ واقعا اینها به عنوان اصول کلی مطرح میشد یا نه به عنوان يك پندار، يك قانونی یا بفرمائید يك تئوری که درباره بخشی از طبیعت وجود دارد.

اگر به معنای کلی است انوقت این طور بدینها را چه جوری باید جواب داد که آب تبدیل به بخار می‌شود، دوباره بخار تبدیل به آب می‌شود، کدماشان تکامل است.

● طبری - عرض کنم درباره کلیت این قانون یا این اصول، البته ما معتقد به کلیت‌ش هستیم در این لحظه معین ولی من چند دفعه عرض کردم تاریخ بشریت جوان است و معرفت انسانی در حال پیشرفت.

عرض کردم که افق دیدهر نسلی محدود است و حال آنکه

هم بیمار هستیم، این است که ادامه بحث طولانی برای من يك کمی دشوار هست، اجازه بفرمائید، بحث را در سوساعتی که تصمیم گرفته بودید ادامه بدهیم و ادامه آن را در جلسه دیگر.

● سروش - و تقریباً سوساعت شد، بله.

● مجری - بله، تقریباً سوساعت اگر پرسش‌هایی است که در این وقت بیان بفرمائید، چون در مورد مسئله تضاد....

● طبری - من باز هم به مطالبی که بیان فرمودند آقای مصباح، جواب عرض میکنم، مطالبی که آقای دکتر سروش فرمودند با اجازه شما می‌گذاریم برای يك جلسه دیگر. يك سؤال دیگر که آقای مصباح فرمودند، این است که آیا اصول دیالکتیک همین سه اصل است که گفته شده. اصل باصطلاح تغییر اصل باصطلاح ارتباط، و اصل تضاد یا این که اصول دیگری هم هست. این حقیقت قضیه این است که در اینجا بحث‌های خیلی گوناگونی است آن را به اصول مختلفی تقسیم کردند. معمولاً من تصور میکنم که همین سه اصل، را اصول اساسی بگیریم، برای خاطر اینکه مسئله تغییر کمی و کیفی، تأثیری متقابل، مسئله تکامل از ساده به پفرنج اینها را همه را می‌شود در اصل حرکت و تغییر وارد کرد، یعنی اجزاء مختلفی هستند که میتوان در حرکت و تغییر دانست. اما سه اصلی را که متعلق میشود از همدیگر جدا کرد عبارت خواهد بود از اصل ارتباط کل، اصل حرکت تغییر کل و اصل تضاد. این سه اصل را می‌شود از هم جدا کرد، به همین جهت هم همین طور بیان کردم، دوست عزیز ما آقای نگهدار مسئله را با گسترش بیشتری بیان کردند، آن اجزای دیگری را که من شخصاً طبق سلیقه خودم می‌گنجانم فواصل تغییر، مثل تغییر کمی و کیفی که همه اینها مورد قبول است. (از طرف من مورد قبول است)

چشمهای غیر مسلح حتی با وسایل باصطلاح تجزیه و تحقیقی که در اختیار فیزیک معاصر هست. من میخواهم خیلی زیاد وارد امور فنی این مسائل بشویم یا این وجود اینها ما آنها را ادراک می‌کنیم از طریق ادراک ریاضی، از طریق ادراک منطقی آنها را ادراک نمی‌کنیم مستقیماً از طریق حس، انطور که جناب آقای سروش فرمودند که حتماً حس را ما تنها وسیله ادراک می‌دانیم، ادراک می‌تواند جنبه تمثلی و تجزیه فوق‌العاده وسیعی پیدا بکند، تا حد جنبه تممیه‌های ریاضی و ریاضیات عالی تمام اینها در سیستم ادراک انسانی برای معرفت وارد می‌شود نه فقط تجربه و محسوسات، اگر ما در حدود تجربه و محسوسات باقی بمانیم باصطلاح حس گرا خواهیم شد. سانوالیسم خواهیم شد. که فقط حس را منبع معرفت می‌داند، منبع معرفت علاوه بر تجربه، تممیه تمثلی هست تا حد تممیه‌های فوق‌العاده تجزیه ریاضی.

● سروش - ببخشید می‌توانم بپرسم چون به منطق ریاضی اشاره کردید، آنها بالاخره مادی هستند یا غیر مادی.

● طبری - اینکه شما فرمودید که استدلال را فرموده بودید. من اول خواستم سئوالاتی را که آقای مصباح فرمودند جواب عرض کنم، چون سئوالات شما را یادداشت کردم سئوالاتی که شما فرمودید، بعد عرض میکردم. تصور میکنم در يك جلسه ما نتوانیم این کار را بکنیم، ممکن است که مثلاً این بحث راجع به دیالکتیک را مجبور بشویم در دو جلسه برگزار کنیم اگر شورا آنرا صلاح بدانند.

● مجری - توضیحی که لازم به یادآوری است این بحث با همین موضوع ادامه خواهد یافت تا آنجایی که بهر جهت موضوعات کاملاً روشن بشود محدود به همین جلسه یا يك جلسه دیگر یا دو جلسه دیگر نیست.

● طبری - اگر اینطور باشد، در این صورت می‌شود بحث را در آن حدود سوساعت نگه داشت، چون من بیرمرد هستم،

# ● بحث آزاد: جهان بینی مادی

بقیه از صفحه ۶۳

وجود غیرمحدود است، به همین جهت آنچه که گفته می‌شود، نسبت فرآن فوق‌العاده زیاد است، ممکن است مطالب تغییر بکند از زمانی که مارکس این مطالب را فرمول‌نویسی کرده تا امروز بحث خیلی زیادی در مورد این فرمول‌نویسی وجود دارد. نه فقط در نزد مائزپالیست‌های طرفدار مارکسیسم این بحث وجود دارد، در رشته‌های دیگر فلسفه هم وجود دارد. خوب بحث کردن و کوشش کردن برای غوررسی برای رفتن بیشتر به ژرفای مسائل این خاصیت خوبی است که انسان دارد. کنجکاوی او را به این کار برمی‌انگیزد، نیاز هم او را به این کار برمی‌انگیزد.

لذا اینها را بتوان اصول کلی عرضه میکند. آنچه که درباره تکامل فرمودند که درخت را از موقی که از تقسم میروید، بصورت یک درختی درمی‌آید خوب قبول کنیم که تکامل است، ولی آن موقی که شروع می‌کند به پژمرض و از بین می‌رود و خوب خشک سوخته می‌شود، خاکستر می‌شود، آیا در اینجا تکامل انجام می‌گیرد؟ اینجا که یک جریان تنی رسیده نه تکامل که ما گفتیم. درباره هر امر مفرد گفته نشده بلکه تکامل نوعی گفته شده تکامل در انواع است آنچه که ثابت هست تکامل در انواع زنده است که در روی کره زمین انجام گرفته که درباره آن هم تشکیکات زیادتری وجود دارد که آقای دکتر سروش در کتاب خودشان مرقوم فرمودند علمای از افراد دانشمند هم هستند که بر اساس بیولوژی معاصر اصل تکامل را مورد تردید قرار می‌دهند حتی در انواع، اصل تکامل که از طرف داروین آمده، ولی ما این اصل تکامل را مارکسیست‌ها قبول می‌کنند و آن را به مثابه یک اصل کلی برای جهان خودمان.

یعنی این شماره ما که او را می‌شناسیم و در اینجا حیات پیدا شده و در اینجا حیات تکامل پیدا کرده والا حرکت دوری در بسیاری جاها دیده می‌شود مثلاً در ماه چه تکاملی هست، تکامل را یک مدتی طی کردن است و بعد میلیونها، میلیونها صدها میلیون سال هست که ماه بر همین شکل باقی مانده است. یا خورشید چه تکاملی، حرکت دوری را طی میکند. پس به این ترتیب تکامل اعتلایی از ساده به پشرفع امری است که در روند حیات دیده می‌شود.

● مصباح - منظور از نوع اب خودش یک نوعی است یا نه؟

● طبری - انواع بیولوژیک را من عرض کردم، بیند آن چیزی که مولوی ما گفته اینجا مرتباً تذکر داده شده که ما خیلی زیاد استاد به فیلسوف نکنیم، برای اینکه ممکن است آن فیلسوف را مسخ بکنیم یا استادات خودمان، ماهم بنویه

خودمان به مولوی ارادت طریح همان آزادی که شما دارید. می‌گوید که:

از جمادی مردم و نامی شدم

و از نما مردم ز حیوان سرزدم  
مردم از حیوانی و ادم شدم

پس چه گویم چون زمرین کم شدم  
بار دیگر از فلک پران شوم

آنچه او در وهم ناید آن شوم  
● مصباح - خوب بالاخره جمادی را ایشان می‌گویند مردم و نامی شدم...

● طبری - یعنی مرگ را عبارت از یک وسیله‌گذاری دانسته که به یک مرحله هالتر - یعنی مسئله تکامل را به معنای اعتلای و استکمال، به معنی مرکب‌تر شدن وجود، این را پذیرفته، و حتی پذیرفته که انسان نیز به یک انسان بالاتری مبدل می‌شود که برخی اصطلاح انسان خداگونه را یکبار بردند ما هم این را با محتوی خودمان قبول داریم، و انسان به جایی خواهیم رسید

رسد آنجی به جایی که به جز خدا نیست  
بنگر که تا چه حد است مقام آدمیت.

با محتوی خودمان ما آن را قبول داریم. گفت:  
قاضیانی که بنیاد می‌تند

حکم بر احوال ظاهر می‌کنند  
ما که باطن بین جمله کشوریم

قلب بی‌بیم و به ظاهر ننگریم  
اگر ما مسائل را به محتوایش مراجعه بکنیم می‌بینیم که مابین الیهون به خصوص الیهون بیرو خط امام و مارکسیست‌های اصیل اعتلایی که صدیق هستند، در درک مسائل انسانی و تکامل بشری و عدالت انسانی تفاوت ماهوی وجود ندارد. در صورتی که تفاوت بلحاظ ظاهر می‌تواند وجود داشته باشد.

● مصباح - انشاء الله امیدواریم این اختلافاتی که در مسائل اصلی اپیدولوژی و جهان بینی وجود دارد، انشاء الله با همین بحثها حل بشود. و من مفرط می‌خواهم که درین سوال کردم اینها بر همان اصل بود که بنا بود برای اینکه یک تسهیلی در بحث پیش بیاید این بود که من چندان اجازه نبرسیم و خلاصه عرض بنده این بود که آیا در هر نوعی از انواع مادیات غیر از انواع زنده، شما معتقدید به این که تکامل هست یا مخصوص انواع زنده هست یا همان نظریه ترانسفورمیزم آیا این هست و آیا اینها با روش علمی اثبات می‌کنند یا با روش دیالک تیک انشاء الله جلسه آینده راجع به این موضوع صحبت می‌کنیم.

● معجری - عفر می‌خواهم، آقای نگهبان توضیحاتی داشتند یفر مآئید:

● نگهبان - این مسئله تکامل که فرمودید راجع به آن امر یعنی محدوده غیرضی حیات در مورد جملات ما البته همانطور که دوستان آقای طبری توضیح دادند ممکن است که یک میلیارد سال هم بگذرد یا چندین میلیارد سال هم بگذرد، یک حرکت دوری ببینیم، ایشان توضیح دادند ولی وقتی که

مقیاس را از این هم باز و وسیعتر می‌کنیم و میل به بی‌نهایت می‌کنیم باز هم در انبساط می‌بینیم یک همچنین تحولی را که طی شده...

● مصباح - انشاء الله وقتی عمری بی‌نهایت پیدا کردیم البته.

● نگهبان - مثلاً راجع به تکوین همین منظومه شمسی نظریاتی که در اینجا هست، که می‌رود روی مسائل خیلی علمی و فنی که فکر کنیم برای استفاده از این وسیله ارتباط جمعی جالب زیاد نباشد ما وارد این محدوده بشویم. سئوالاتی که آقای سروش کردند در مورد، اینکه خودیالک تیک محصول تجربه و از طریق تجربه به دست آمده این را باید باز ما برگردیم روی نحوه تکوین، انباشه بشری تکامل الیهون بشری و شلخت مسیحیت بکنیم که بحث مفصلی خواهد بود. انشاء الله اگر فرصتی باقی باشد در جلسات آینده توضیح می‌دهیم و امروز مثل اینکه به مقوله تسفاد و مسئله اساسی ترسیم مسئله محوری و اصلی بحث، من هم می‌خواستم درباره بحث اظهار خوشبختی بکنم در شرایطی که جو جامعه ما یک جو بسیار پر تحرک و پرتحویلی هست در سال‌های اخیر و تناقضات و پیچیدگیهای بسیار زیادی در زندگی مردم ما و هم میانمان بوجود آمده و می‌آید، این بحثهای آزاد چنانچه با شرکت همه علاقمندان به سرنوشت مردمان صورت بگیرد، طبقاً نتیجه باز هم خیلی مفیدتری خواهد داشت یکبار دیگر خوشحالی خودم را از اینکه این جلسات تشکیل شده می‌خواستم ابراز کنم و تأسف خودم را از اینکه محدوده بحث برخی از نیروهایی که ما فکر می‌کنیم به سرنوشت کشور، خوششان و میهن خودشان علاقمند روی هم در برنگرفته و باید کوشش بکنیم که این بحثها دامنه وسیعتری را پوشاند مثل اینکه در جلسات سیاسی و اقتصادی دامنه بحث نیروی بیشتری را دربر می‌گیرد. خیلی خوشحال شدم از اینکه این جلسه برگزار شد و آنگاستش هم در جامعه ما حتماً تقاضا، تعقل و همفکری را در حل مشکلات مردم خواهد داد.

● سروش - یک توضیح کوچکی من عرض بکنم چون قرار شد سئوالات به نوبت بعد گذاشته بشود تا پاسخ تفصیلی‌اش روشن بشود فقط درباره سخنی که آقای نگهبان گفتند من اشاره کنم که سئوال از اینکه آیا تجربه پشتوانه دیالک تیک است یا جزو متد دیالک تیک، یک سئوال تاریخی نبود. یعنی من نبرسیم که، یعنی سئوال ناظر به این نیست، بهر حال که چه شد که ما به دیالک تیک رسیدیم از کجا عبور کردیم این سئوال راجع به هر امر مقبول یا نامقبول می‌شود کرد. اگر حتی، مثلاً فرض کنید متد کنونی مردم، چادوگری بود. باز هم می‌شود سئوال بکنیم که چه شد بشریت از چه کانهایی عبور کرد تا حال به چادوگری رسید و دلش می‌خواهد همه امورات را مثلاً با چادوگری جور بکند، یا فرض کنید که به فلسفه، به فلسفه‌ای که ممکن است مورد قبول ما هم نباشد مثلاً فلسفه ایدئالیستی باز هم می‌شود درباره‌اش این سئوال کرد که از کانهایی بشریت عبور کرد تا معتقد به فلسفه ایدئالیستی شد این یک جور بحث است، اما سئوال بقیه در صفحه ۸۴

# ● بحث آزاد

بقیه از صفحه ۷:۴

ماناظر به این بود که ما چرا قبول داریم متد دیالک تیک را این چرا، یک چرای منطقی است، نه یک چرای تاریخی. چرا می‌پذیریم متد دیالک تیک را، والا رشد تاریخی، مسیر تاریخی هراندیشه‌ای را میشود مشخص کرد صرف نظر از اینکه آن نظریه که الان با یک مسیر تاریخی به ما رسیده، مورد قبول ما هست یا مورد قبول ما نیست. دلیل مقبولیتش مورد نظر ما بود. و چون برای مقبولیت و مشروعیت آن به تجربه استناد شد من آن سؤال را کردم. بهر حال من هم خوشبختم از این بحث و همچنان که انتظار می‌رفت در یک محیط بسیار تفاهم آمیز و امیدوارم سودمند و متمرکز راه گشا و مسئله آفرین صورت گرفت. که خب طریق رشد اندیشه بشری بوده است تاریخا و امیدواریم که آینده این بحث حتی سودمندتر از این و راه گشایتر باشد و به یمن انقباس قدسیه پاکان و نیکان مستظهریم و از آیات خداوندی هم کمک می‌طلبیم و این فرصت میمون و مفتتم را آرزو می‌کنیم که بیش از این تکرار بشود و ثمرات شیرین‌تر و مطبوع‌تر و مغذی‌تری داشته باشد به امید خداوند تائوبت آینده.

● مجری - باتشکر از همه شرکت کنندگان با آرزوی اینکه دیگر افراد گروهها نیز در این مباحث شرکت کنند تا روند عقیدتی جامعه رشد پیدا کند و بتوانند به یک تفاهم از لحاظ عقیدتی برسند، با تشکر از بینندگان عزیز فکر می‌کنم نیازی به جمع بندی مطلب نباشد. احتمالا به صورت مقدمه‌ای شاید بتوانیم بگوئیم برای اجرای جلسات دیگری با محتوای غنی‌تری بوده باشد با تشکر از بینندگان.

ادامه دارد

شماره 105 را دارم ، اما ادامه " بحث " در آن نیامده است .